




مقرتیلکات اسلامی جوز کایقر
سازت و کولق تالیق

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



ز بسم الله چیزی نیست بهتر
نهادم تاج بسم الله بر سر
عجب تاجی است این تاج الهی
ببند بر سر، برو هر جا که خواهی

چیستان

سلام به شما بچه‌های باهوش، امروز می‌خواهم چند تا چیستان و سوال هوش پیرسم، دوستان عزیز لطفا دو گروه بشوید تا گروهی که بادقت بیشتر پاسخ می‌دهد را پیدا کنیم، شایسته هست که قبل از اعلان جواب با هم مشورت کنید! پس در هر گروه یکی نماینده باشد و 10 ثانیه برای هر سوال فرصت مشورت دارید!

(1) آن چیست که هم در داروخانه است و هم در آتش نشانی؟

کپسول

(2) آن چیست که هم در آشپزخانه است و هم در نجاری؟

رنده

(3) آن چیست که هم در کوره ی آهنگری است و هم در تنور نانوايي؟

آتش

(4) آن چیست که هم آسمان دارد و هم مغازه؟

مشتري

(5) آن چیست که هم در تلویزیون است و هم در کولر؟

کانال

(6) آن چیست که هم در آشپزخانه است و هم در اتومبیل؟

گاز

(7) آن چیست که هم در خیابان است و هم در روزنامه و بعضی از نشریات؟

جدول

نوک

8) آن چیست که هم خودکار دارد هم پرنده؟

باند

9) آن چیست که هم داروخانه دارد هم فرودگاه؟

خط

10) آن چیست که هر چه بکشیم زیادتر می شود؟

گودال(چاله)

11) آن چیست که هر چه از آن برداری بیشتر می شود؟

دیوار

12) آن چیست که هر چه بچینیم بیشتر می شود؟

سن

13) آن چیست که همیشه بالا می رود و هیچ وقت پایین نمی آید؟

فلش، رم
سی دی

14) آن چیست که چه پر باشد و چه خالی، وزن آن تغییر نمی کند؟

احسنت به گروهی که بیشترین پاسخهای صحیح را داد، این گروه را به زبان عربی تشویق می کنیم!

طَيِّبَ طَيِّبَ اللهُ، احسنت بارک الله..... همه با هم تکرار کنیم.....

یادآوری مطالب گذشته

حالا ببینم این دو گروه کدام یک بهتر و کامل تر می توانند بگویند که جلسه گذشته چی گفتیم؟.....
احسنت به هر دو گروه، گروهی که بهتر و کامل تر گفتند را به زبان انگلیسی تشویق می کنیم!
Good,good,verygood... همه با هم تکرار کنیم.....

• بله در جلسه گذشته گفته شد که با ارزش ترین چیز در عالم این است که کارهایی کنیم که خداوند متعال ما را دوست بدارد، خداوند همه ی ما را دوست دارد که آفریده ولی بعضی ها را بیشتر و خاص تر دوست می دارد، بعضی ها نورچشمی های خدا هستند، خودشان را در دل خداوند جا می کنند، اگر کسی نورچشمی خداوند باشد، خدا یعنی بزرگترین و قوی ترین و مهربان ترین عالم حافظ و نگهدار اوست، اگر دارای خواسته ای باشد خداوند اجابت کننده ی اوست، اگر دارای غمی باشد خداوند خریدار غم اوست، اگر کسی نورچشمی خدا باشد خداوند، عالم و آدم را در خدمت او قرار می دهد،

• سوال: خداوند چه کسانی را دوست دارد؟

• جواب: قرآن کریم می فرماید: یک دسته از کسانی که خدا دوستشاون دارد نیکوکاران هستند.

• سوال: چه کسانی نیکوکار هستند؟

• جواب: قرآن به ما این چنین جواب می دهد: کسانی که در همه حال انفاق می کنند؛ چه وقتی مال و ثروت دارند و چه وقتی خودشان گرفتار و تنگ دست هستند.

• بسیار خوب در ادامه بر اساس آیه 134 سوره آل عمران بیان می کنیم که علاوه بر انفاق به چه کسانی نیکو کار گفته می شود؟

اقسام احسان

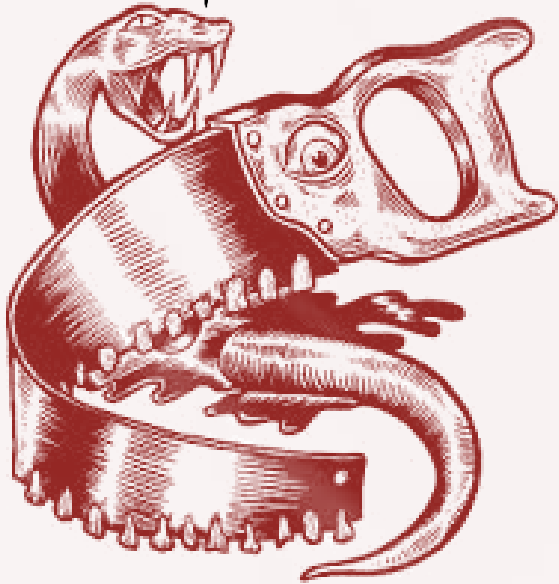
(1) انفاق (که قبلا گفته شده)

(2) کنترل خشم

«وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ» خداوند متعال یک دسته‌ی دیگر از نیکوکاران را کسانی معرفی می‌کند که می‌توانند خشم و غضب خودشان را کنترل کنند، پس فروبردن خشم هم از جمله کارهایی است که خداوند به خاطر آن ما را دوست می‌دارد.

حکایت شده: «شب‌ی مار بزرگی برای پیدا کردن غذا وارد دکان نجاری شد؛ همین‌طور که مار گشتی می‌زد بدنش به ارّه گیر می‌کند و کمی زخم می‌شود. مار بدجنس حسابی عصبانی می‌شود و برای اینکه درس حسابی بدهد به کسی که او را زخمی کرده، حمله می‌کند و ارّه را گاز می‌گیرد، گاز گرفتن ارّه همان و خونریزی و دهان مار همان، مار نفهمید که چه اتفاقی افتاده، فقط با خشم و عصبانیتی بیشتر تصمیم می‌گیرد هرچه ترفند بلد است به کار بگیرد تا دشمنش را نابود کند، پس تصمیم گرفت خودش را محکم دوربدن و گردن دشمن پیچد تا هم او را نیش بزند و هم استخوان‌هایش را بشکند و هم او را خفه کند، پس بدنش را دور ارّه پیچاند و هی فشار داد. نجار صبح که آمد روی میز به جای ارّه لاشه ماری بزرگ و زخم آلود را دید که فقط و فقط بخاطر بیفکری و خشم زیاد مرده بود.»

يا كَاظِمِ الْغَيْظِ



- اکثر ما در لحظه **خشم** می‌خواهیم دیگران را برنجانیم بعد متوجه می‌شویم خودمان را رنجانده‌ایم اما موقعی این را درک می‌کنیم که خیلی دیر شده در حالی که اگر خودمان را **کنترل** کنیم و خشم خودمان را فرو ببریم هم خودمان **سود** کردیم و هم خدا ما را دوست دارد.



- روایت شده روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب فرمودند: شما به چه کسی **پهلوان** می‌گویید؟
- اصحاب گفتند: کسی که **زورش** از بقیه بیشتر باشد و هیچ کس نتواند او را شکست بدهد؛ حضرت فرمودند: او پهلوان نیست؛ پهلوان کسی است که هنگام خشم و عصبانیت بتواند خودش را کنترل کند. حضرت فرمودند: «کمال شجاعت و دلیری آن است که کسی خشمگین شود و خشمش شدت گیرد و چهره‌اش سرخ شود و موهایش بلرزد، اما **بر خشم خود چیره گردد.**» متأسفانه وقتی به دادگاه‌ها و زندان‌ها و کانون اصلاح و تربیت سر می‌زنیم می‌بینیم عده‌ی زیادی به خاطر عصبانیت دست به کارهایی زدند که عمری پشیمانی به بار آورده است، وقتی با آنان صحبت می‌کنیم می‌گویند: اصلاً نفهمیدم چی شد! وقتی عصبانی شدم دیگر نفهمیدم دارم چکار می‌کنم! اگر تمرین می‌کرد و مراقب بود خیلی راحت می‌توانست خودش را نجات بدهد.



راه های کنترل خشم



1 شستن دست و صورت و وضو با آب سرد؛

2 تغییر حالت و مکان؛ مثلاً وقتی داریم عصبانی می شویم بحث را ادامه ندهیم و اتاق را ترک کنیم، یا در حیاط قدم بزنیم، یا اگر ایستاده هستیم، چند دقیقه بشینیم تا به آرامش برسیم یا به لیوان آب بخوریم.

3 سعی کنید از بحث فاصله بگیرید و مثلاً ۱۰ تا صلوات بفرستید.

4 سعی کنید به علت عصبانیت فکر کنید اینکه چرا و چه چیز شما را اینقدر ناراحت و عصبانی کرده و برای اون یه راه حل پیدا کنید.

5 خوب است اتفاقاتی که برایت افتاده را بنویسی و چند روز بعد دوباره مرور کنی و خودت را ارزیابی کنی که مثلاً بهتر بود چطور

خشم خود را خاموش کنیم



با آرام صحبت کردن

خشم خود را خاموش کنیم



با فکر کردن به عواقب کار

خشم خود را خاموش کنیم



با نوشیدن آب

خشم خود را خاموش کنیم



با ترک کردن محیط

بسیار خوب دیگر چه کار کنیم جزء نیکوکاران قرار بگیریم؟

(3) عفو و گذشت

- «وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» عفو و گذشت و بخشیدن دیگران هم از مصادیق احسان و نیکو کاری است و خداوند کسانی را که دیگران را می‌بخشند دوست می‌دارد. چقدر خوب است همدیگر را زود ببخشیم، اشتباهات و خطاهای دیگران را به دل نگیریم و زود فراموش کنیم.

کظم غیظ امام سجاد علیه السلام

- روزی یکی از خدمتکاران امام سجاد علیه السلام در موقع شستشوی سر و صورت آن حضرت، ظرف آب از دستش افتاد و سر امام علیه السلام را زخمی کرد. امام به او نگاهی کرد. او دریافت که امام ناراحت شده است. بلافاصله گفت: «والکاظمین الغیظ»، امام فرمود: من خشم خود را فرو بردم. او دوباره گفت: «والعافین عن الناس»، امام فرمود: تو را عفو کردم. او گفت: «والله یحبّ المحسنین» امام فرمود: تو در راه خدا آزاد هستی.

اللهم

اجعلنا من الكاظمين الغيظ

العافين عن الناس والله

يحب المحسنين



کضم غیظ شهید کاوه

اینکه شهدای عزیز ما به مقامات بالای عرفانی و معنوی رسیده بودند و به این درجات عظیم رسیدند به خاطر این بود که شاگرد مکتب اهل بیت عصمت و طهارت بودند، تمام تلاش آنان الگو گرفتن از اهل بیت بود. یکی از هم‌زمان شهید **محمود کاوه** فرماندهی تیپ ۱۵۵ ویژه شهدا، روزی داخل سنگر، کنار شهید کاوه بودیم یکی از بچه‌ها **شوخی** ای کرد و تفنگ از دوشم افتاد و خورد توی سر کاوه، سر فرمانده شکافت و **خون** ریخت روی صورتش، کم مانده بود سخته کنم؛ با خودم گفتم: الان است که یک برخورد ناجوری با من بکند، خودم را آماده کرده بودم که تقصیر را بیندازم گردن فردی که با من شوخی کرد، کاملاً خلاف انتظارم عمل کرد؛ یک دستمال از جیبش در آورد، گذاشت روی زخم سرش و از **سنگر** بیرون رفت. این برخورد از صد تا توگوشی برایم سخت تر بود. دنبالش دویدم، در حالی که دلم می‌سوخت، با ناراحتی گفتم: حرفی بزن، چیزی بگو، همانطور که **می‌خندید** گفت: مگه چی شده؟ گفتم: من زدم سرت رو شکستم، تو حتی نگاه نکردی ببینی کار کی بوده. همان طور که خون‌ها را پاک می‌کرد، گفت: اینجا **جنگ** است، این که چیزی نیست. چنان مرا **شیفته** خودش کرد که بعدها اگر می‌گفت بمیر، می‌مردم.»



لذتی که در بخشش است در انتقام نیست



ببینید جدای از اینکه ما اگر ببخشیم و عفو و گذشت داشته باشیم کاری خدا پسندانه انجام دادیم، عفو و گذشت به نفع خودمان هست و در درجه‌ی اول نفعش به خودمان برمی‌گردد.

روزی **مار سمی** مردی که سال‌ها در کوهستان زندگی می‌کرد را **نیش زد**، مرد حسابی عصبانی و ناراحت شد و خیلی فرزند و سریع دنبال مار افتاد تا اون را **بکشد**، دنبال مار از این شکاف به اون شکاف می‌رفت، یک لحظه دید عرق سرد بر بدنش نشسته و سرش **گیج** می‌رود، فهمید که سم مار اثر کرده، پیش خودش گفت: بهتره محل نیش را زخم کنم و بمکّم، ولی دیگر دیر شده بود، چشمانش تار شد، سم وارد خونش شده بود. فقط خودش را سرزنش کرد چراکه اگر بعد نیش زدن، مار را رها می‌کرد و فکر انتقام را از سرش بیرون می‌کرد و بلا فاصله محل نیش را زخم می‌کرد و **می‌مکید** زنده می‌ماند.

نباید در مقابل بدی دیگران عصبانی بشویم و در صدد انتقام برآییم و هرکس بدی‌ای کرد بخواهیم جوابش را بدهیم، بلکه چقدر خوب است که **تمرین** کنیم و بدی دیگران را با **خوبی** جواب بدهیم، کسانی که نه تنها در مقابل بدی و بدرفتاری دیگران عصبانی نمی‌شوند بلکه با **سعه صدر** و اعمال و رفتار نیکوی خودشان، کسی که به آنان بدی کرده را پشیمان و شیفته‌ی خودشان می‌کنند افراد بزرگ و بی‌نظیر هستند. مثل این داستان که بهترین کار این بود اگر همان لحظه که مار او را نیش زده بود انجام می‌داد.



عفو و گذشت

داستان امام حسین علیه السلام و مرد شامی

• شخصی از **اهل شام** به مدینه آمد. چشمش به **امام حسین** علیه السلام افتاد، سوابق تبلیغاتی عجیبی که در روحش رسوخ کرده بود موجب شد که خشمش به جوش آید و آنچه می‌تواند **دشنام** نثار حسین بن علی علیهما السلام بنماید. همین‌که هرچه خواست گفت و عقده‌ی دل خود را گشود، امام حسن بدون آنکه خشم بگیرد و اظهار ناراحتی کند، نگاهی پر از **مهر و عطوفت** به او کرد و به او فرمود: «ما برای هر نوع **خدمت و کمک** به تو آماده‌ایم». آنگاه از او پرسید: «آیا از اهل شامی؟» جواب داد: آری، حضرت فرمودند: «تو در شهر ما غریبی، اگر احتیاجی داری حاضریم به تو کمک کنیم، حاضریم در خانه‌ی خود از تو پذیرایی کنیم، حاضریم تو را بیوشانیم، حاضریم به تو پول بدهیم.»



• مرد شامی که منتظر بود با عکس‌العمل شدیدی برخورد کند و هرگز گمان نمی‌کرد با چنین گذشت و بخششی روبرو شود، چنان **منقلب** شد که گفت: «آرزو داشتم در آن وقت زمین شکافته می‌شد و من به زمین فرو می‌رفتم و چنین نشناخته و نسنجیده گستاخی نمی‌کردم. تا آن ساعت برای من در همه‌ی روی زمین کسی از حسن و پدرش مبعوض‌تر نبود، و از آن ساعت برعکس، کسی نزد من از او و پدرش محبوب‌تر نیست.»

بازی

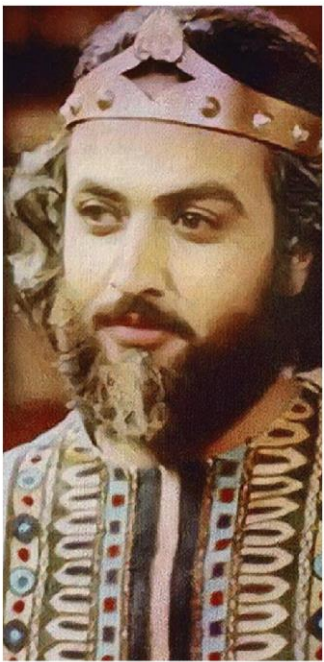
- کلمات مرتبط در جدول را به گونه‌ای به یکدیگر وصل کنید که هیچ کدام از خطوط خط دیگر را قطع نکنند.

سپرآتش جهنم	نماز					
خمس				زکات		
						روزه
	تبری					
			ستون دین		امر به معروف	
نهی از منکر					تولی	

نتیجه بازی

سپر آتش جهنم	نماز					
خمس				زکات		
						روزه
	تبری					
			ستون دین		امر به معروف	
نهی از منکر					تولی	

4- ترک گناه



- بسیار خوب؛ با هم مصادیق احسان و نیکو کار شدن در قرآن را بررسی می‌کردیم تا اینجا چه چیزهایی را گفتیم؟
- احسنت... 1. انفاق و کمک کردن به دیگران، 2. کظم غیظ، 3. عفو و گذشت

- اما مورد چهارم، خداوند متعال در چند جای سوره‌ی یوسف، حضرت یوسف علیه السلام را از محسنین و نیکوکاران معرفی می‌کند،

- اتفاقاً بیان می‌کند علت اینکه ما به یوسف کمک می‌کردیم و همیشه یاور یوسف بودیم و او را تنها نمی‌گذاشتیم همین نیکو کار بودنش بود چون ما نیکوکاران را بدون اجر و پاداش نمی‌گذاریم،
«إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

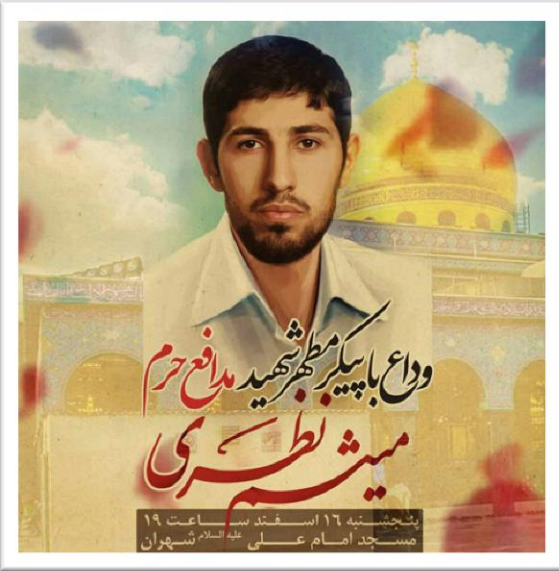
- همه داستان حضرت یوسف را شنیدید، شما بگویند: ویژگی بارز حضرت یوسف چی بود؟ احسنت ترک گناه....



وقتی **زلیخا** خانه را خلوت کرد و همه چیز را مهیا کرد و **یوسف** را به **گناه** دعوت کرد، حضرت یوسف **به خدا پناه برد** و از گناه فرار کرد، خداوند عاشق بنده‌ای هست که از گناه به اون پناه می‌برند. یوسف می‌تونست درخواست زلیخا را بپذیره ولی آن وقت اولاً از خداوند **مدال افتخار** نمی‌گرفت، ثانیاً همیشه در ترس و دلهره بود که نکند عزیز مصر بفهمد، نکند به اون خبر بدهند و آرامشش از بین می‌رفت، ثالثاً هیچ وقت **عزیز مصر** نمی‌شد همیشه یک برده باقی می‌ماند. یک برده‌ای که باید خیلی مراقب رفتارش باشد مبادا زلیخا از او ناراحت بشود و آبروی او را بریزد. رابعاً زلیخا خیلی بیشتر از آنچه که خدای متعال از یوسف انتظار داشت به او فرمان می‌داد و از او انتظار داشت. چون زلیخا یک زن هوس باز بود اما خدای سبحان، بخشنده هست، مهربان هست، آمرزنده و بالاخره هزاران صفت دیگر هم دارد که هیچ کس ندارد.

راه عزیز شدن در دنیا و پیش خدا همین است، وقتی کسی را دوست بدارد و عاشق بنده‌اش بشود او را تنها نمی‌گذارد بلکه از قعر چاه، از ته سیاهچال درمی‌آورد و به عزت و پادشاهی می‌رساند.

ترفند شهید میثم نظری برای ترک گناه



یکی از شهدای مدافع حرم شهید میثم نظری است، میثم 27 سالش بود و با اصرار زیاد رضایت پدر و مادرش را گرفته بود، خواهرش نقل می‌کند «روز قبل از اینکه به سوریه اعزام بشود، میثم به من زنگ زد و دیدم حرف‌های عجیب و غریبی می‌زند، می‌گفت: آره از بیمارستان آمدم، دکتر گفت: بیماریات واگیرداره و مراقب باش به کسی سرایت نکنه و... وقتی میثم خانه آمد به او گفتم این حرف‌ها چی بود که گفتی؟ منظورت چی بود؟ این قدر اصرار کردم تا گفت: در تاکسی خانم بدحجابی کنارش نشسته بوده که خودش را می‌چسباند به میثم و او با این ترفند کاری کرده بود که خانم از او فاصله بگیرد»



می‌خواهی بدونی خدا چقدر تو را دوست داره؟؟



- به میزانی که ما خدا را دوست داریم خدا هم ما را دوست می‌دارد،
بین چقدر خدا را دوست داری؟
- می‌گفت: حاج آقا ما عاشق خدا هستیم! گفتم با حلوا حلوا دهن شیرین
نمی‌شود، عاشقی علامت و نشانه دارد، به هر کسی که نمی‌شود گفت
عاشق!
- عاشق هیچ وقت کاری نمی‌کند که طرفش دوست ندارد، عاشق
خودش، حرف زدنش، رفتار و عملش را طوری می‌کند که طرفش
دوست دارد!
- خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ
اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»
- پیامبر به مردم بگو اگر خدا را دوست می‌دارید یک راه و یک نشانه
دارد و آن اطاعت و تبعیت از من پیغمبر است؛ اگر چنین کنید خدا
هم شما را دوست خواهد داشت.
- با اطاعت کردن از پیامبر است که می‌توانی اثبات کنی که خدا را
دوست می‌داری!
- حالا هرچی بیشتر خدا را دوست بداری خداهم بیشتر تو را دوست
می‌دارد.

دعای پایانی



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ

- خدایا عشق به خودت را در دل‌های ما شعله ور بفرما
- خدایا دل بریدن از غیر خودت را نصیبمان بگردان
- خدایا کمک کن که در زمره‌ی نیکوکاران قرار بگیریم
- خدایا به ما صبر و گذشت عطا کن
- خدایا کمک کن بتونیم دیگران را ببخشیم
- خدایا همانطور که ما دیگران را می‌بخشیم تو هم ما را ببخش و پیامرز
- به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

معاونت فرهنگی و تبلیغی ، گروه تأمین منابع
قم، چهار راه شهدا، تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۱۶۰
www.balagh.ir-tabligh@dte.ir

معصومه
سلام الله علیها

خاتمه

پایان